



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۰۲۰-۸۸۶۵۴۳۹۱-۸۸۶۵۴۳۹۱-۸۸۸۸۰۷۱۹-۸۸۶۵۸۵۷۵
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن:۰۵-۶۶۱۸۲۱۳۰
چاپ: نشر روزتاب تلفن: ۰۲۴۵۴۵۰۷۶
www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۶ اذان مغرب ۱۹:۵۸ اذان صبح فردا ۵:۰۴ طلوع آفتاب ۶:۳۳

فرهنگ زمان ما

تر جمه به مثابه خیانت



■ در مدارس ارمنه ایران، برخلاف تصور عموم، همان کتاب‌های درسی فارسی تدریس می‌شود و بیشتر معلم‌ها هم ارمنی نیستند و زبان ارمنی نمی‌دانند. سر کلاس بچه‌ها از ارمنی ندانستن معلم‌ها استفاده می‌کردند و به زبان ارمنی حرف خنده‌داری می‌پرانند یا به تقلب جواب پرسشی را که معلم از دانش آموزی پرسیده بود، به زبان ارمنی به او می‌رساندند. یکبار سر کلاس فیزیک یکی از بچه‌ها داشت آزمایشی را شرح می‌داد که با پر کردن لوله آزمایشگاه از آب شروع می‌شد. او گفت «یک لوله آزمایش بر می‌داریم» و مانند دبیر چند بار از او پرسید «خب، حالا نوی لوله آزمایش چی می‌ریزیم؟» بچه‌ها یوشا پیچیده کردند «جور». جور به ارمنی یعنی آب نمی‌شنید و هاج‌وآج نگاه می‌کرد. بالاخره دبیر داد زد «جور می‌ریزم دیگر!». این دبیر زنگ بود و کمی ارمنی یاد گرفته بود و به این وسیله به حوزه زبانی بسته مانفوذ کرده بود. درواقع زبان ارمنی برای ما حوزه امنی به وجود آورده بود که می‌توانستیم در آن بین خودمان حتی در حضور دیگران رابطه ایجاد کنیم. یک حصار که ما و مسایل درونی‌مان را در مقابل دنیای بیرون که دنیای غیرارمنی‌زبان‌ها بود، محافظت می‌کرد. حالا فرض کنید یکی پیدا می‌شد هر چه را ما به ارمنی می‌گفتم، برای دبیرها یا مدیر مدرسه ترجمه می‌کرد. این کار خیانت نبود؟ باز کردن حوزه بسته روابط درونی به روی غیر- بگنارید رازی را با شما در میان بگذارم. وقتی یک غیرارمنی زبان ارمنی یاد می‌گیرد، ما احساس دو گانه‌ای داریم. از یک طرف، به‌خصوص اوایل که هنوز زیاد نگرفته، با علاقه کلمات ارمنی و ویژگی‌های اصوات آن را شرح می‌دهیم و ته دل‌مان احساس افتخار می‌کنیم که زبانی داریم کلمل و مستقل اما وقتی می‌بینیم یک غیرارمنی خوب ارمنی حرف می‌زند و می‌فهمد (برخی از دانشجویان ایرانی مقیم ارمنستان ارمنی را بهتر از من حرف می‌زنند)، احساس چندان خوبی نداریم. احساس می‌کنیم آن حفاظ شکسته شده است. حتی همین الان که من دارم اینها را به فارسی می‌نویسم احساس می‌کنم شاید دارم کار بدی می‌کنیم هر چیزی را که نباید به فارسی (با زبان دیگری) نوشت، و این امر نه محدود به محیط مدرسه است و نه محدود به ارمنه امروز هم ما در مجله دوزبان‌مان «هویس»، وقتی می‌خواهیم ترجمه مطلبی را که در بخش ارمنی درباره فلاّن نارسایی جامعه ارمنه نوشت‌ایم در بخش فارسی بگناریم، روی برخی مسایل درنگ می‌کنیم. آیا صلاح است که این موضوع را هم به همان صراحت که به ارمنی نوشت‌ایم به فارسی هم بنویسیم. شاید ترجمه هر چیزی صلاح نباشد؟ ترجمه به منزله باز کردن فضای جامعه بسته به روی جامعه بزرگ‌تر است و کاری نه چندان خوشایند. این مساله به احتمال زیاد درباره کردها و بلوچ‌ها و عرب‌ها و سایر اقوام ایرانی نیز صدق می‌کند. می‌دانیم که اکثریت مردم ایران دوزبان هستند. یعنی یک زبان قومی و مادری دارند که در خانه و بین خود به آن تکلم می‌کنند و در عین حال همه زبان فارسی را در مدرسه و از طریق رسانه‌های جمعی می‌آموزند. بنابراین جامعه بزرگ‌تر یعنی کسانی که زبان مادری‌شان هم فارسی است، از این حفاظ زبانی محروم هستند. ارمنه و سایر اقوام ایرانی زبان فارسی می‌دانند و فارس‌زبان‌ها چیزی را که بین خود در حوزه عمومی عرضه می‌کنند، برای آنها نیز مفهوم است. اما زبان فارسی به مثابه حفاظی برای فارسی‌زبانان در برابر دنیای بیرون عمل می‌کند. انتقاداتی که به عرضه فیلم‌های ایرانی به جشنواره‌ها می‌شود، تا حدودی تا همین منظر است. این فیلم‌ها با عرضه مسایل درونی ما که از جمله با ترجمه دیالوگ‌های فیلم‌ها میسر است، مسایل خودی را پیش دیگران باز می‌کنند. منظور آنها که می‌گویند این فیلم‌ها سیانمایی می‌کنند این است که بایاید مشکلات بین خودمان را خودمان (به زبان خودمان) حل کنیم، چرا حرف‌های خصوصی‌مان را پیش دیگران باز نمی‌کنید و در اینجا باز ترجمه (که جزیی از فرایند عرضه فیلم‌ها به مخاطب غیر است) نوعی خیانت به حساب می‌آید. بیچاره جوامع انگلیسی‌زبان که تقریباً همه مردم دنیا می‌دانند و آتر یعنی آبی.

قاب

موفقیت جهانی برای عکاس ایرانی

■ مجید سعیدی، عکاس پرفتخار ایرانی، با مجموعه عکس «فرآینان مین‌های زمینی» ضمن کسب یکی از عناوین اصلی جایزه «عکاس بین‌المللی سال ۲۰۱۱» به‌عنوان یکی از فنیالست‌های نهایی مسابقه معتبر هم شناخته شد. این رقابت جهانی عکاسی در دو دسته حرفه‌ای و آماتور – دانشجویی برگزار می‌شود و در قالب حرفه‌ای دارای ۹ دسته‌بندی و بخش موضوعی شامل تبلیغاتی، معماری، ادیتوربال، کتاب عکس، نگاه عمیق، ترق، طبیعت، انسان، هنرهای زیبا و موضوع ویژه است. هر کدام از این ۹ دسته‌بند نیز شامل گرایش‌های مختلفی است که مجید سعیدی، عکاس ۳۷ساله ایرانی، با شرکت در بخش عکاسان حرفه‌ای و آرایه مجموعه عکسی درباره مجروحان مین‌های جنگی در افغانستان، در بخش موضوعی «انسان» با گرایش «پرتره» موفق به کسب جایزه نخست شد.

شرح

روزنامه

شنبه ۵ شهریور ۱۳۹۰ - ۲۶رمضان ۱۴۳۲ - ۱۲۷اگوست ۲۰۱۱ - سال نهم - شماره پیاپی۱۳۲۹ - شماره ۴۰۵ دوره جدید - ۱۲صفحه+۲۲صفحه ضمیمه

برداشت آخر

قدرتمندترین زنان جهان

جریده «فوربس» طبق سنت همیشگی‌اش تازه‌ترین فهرست از قدرتمندترین زنان دنیا را منتشر کرد. در میان این زنان قدرتمند، نام‌هایی چون آنگلا مرکل، هیلاری کلینتون، دیلما روسف به عنوان سه زن قدر قدرت جهان معرفی شدند. این رتبه‌بندی حاکی از آن است که زنان نه تنها در حوزه امر سیاسی و سیاست‌بازی پیشرفت چشمگیری داشته‌اند که قوی‌ترین‌شان هم سیاستمداران‌شان هستند. درست بعد از این سه زن سیاستمدار، مدیر عامل شرکت پپسی، همسر بیل گیتس و ناگهان نام یک زن سیاستمدار دیگر به نام سونیا گاندی به چشم می‌خورد. میشل اوپاما همسر مرد اول کاخ سفید و کریستین لاگارد، مدیرکل صندوق بین‌المللی پول و مدیر عامل یک شرکت بسته‌بندی مواد غذایی در دههای بعدی زنان قدرتمند دنیا قرار دارند. آنچه در ادامه می‌آید معرفی کوتاهی از این زنان قدرتمند دنیاست که در «فوربس» منتشر شده است.

۱- آنسگلا مرکل، صدراعظم آلمان بزرگ‌ترین حامی تحصیلات و اصلاح قانون‌های مالیاتی کشورش است. مرکل در فهرست قدرتمندترین زنان جهان فوربس در رتبه اول ایستاده و در فهرست قدرتمندترین افراد جهان جایگاه ششم را دارد.

۲- هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه و بانوی اول سابق و سناتور ایالات متحده، تا امروز به جایگاهی که می‌خواسته نرسیده اما احتمال دارد در سال ۲۰۱۲ دوباره شانس خود را برای به دست آوردن صندلی ریاست‌جمهوری امتحان کند که زمانی همسرش روی آن می‌نشست.

۳- دیلما روسف، رییس‌جمهور برزیل که اکتبر سال ۲۰۱۰ برای این پست انتخاب شد. روسف، اولین زن حاضر در کابینه دولت بود که بعد از پنج سال جانشینی لولا داسیلوا، رییس‌جمهوری شد که او را برای وزارت انتخاب کرده بود.

نگاه

برای ملتهای آزادی‌خواه عرب

پنجره



بهروز گرانپایه

بگشای پنجره را آن سوی پنجره دنیای دیگری است. حال و هوای خانه اگر بر مراد نیست گامی بزن به بیرون رنگین کمان معانی در دور دست به تماشاست. این سوی پنجره، تنهایی است آن سوی پنجره یک دوست منتظر است.

آن سوی پنجره یاد در کار است باران بی‌ریا می‌بارد توفان بخشی از طبیعت جاری است و نو می‌شود مدام جان و جهان.

این سوی پنجره دیوار است تاریکی سخن می‌گوید و خانه بوی سوگ و خاکستر می‌دهد آن سوی پنجره

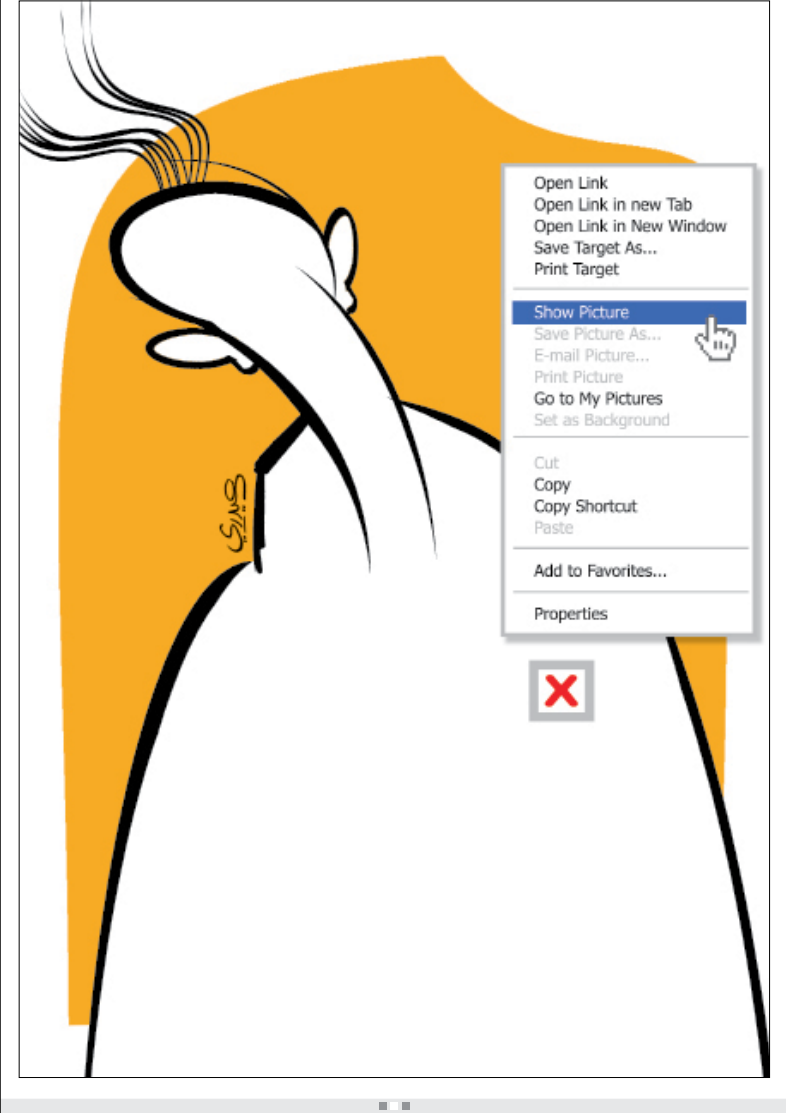
چهارراه جهان

سر نوشت نامعلوم ۴۰۰ زن محافظ قذافی

■ شرق: با فتح مقر قذافی در «باب العزیز» به ابهام‌ها در مورد مخفیگاه قذافی و فرزندانش و همچنین ۴۰۰محافظ زن و افزایش یافته است- زنان محافظی که همواره سوزه جنگجایی رسانه‌های بین‌المللی بودند اما اینک رسانه‌ها و بسیاری از مخاطبان‌شان، بیشتر از همه‌چیز نگران سرنوشت آنها هستند! نخستین ظهور محافظان زن در کنار معمر قذافی به دهه ۹۰ برمی‌گردد- زمانی که آنها در واقع جایگزین بادی گاردهای تبعه آلمان شرقی شدند. بر اساس گزارش‌ها تعداد این محافظان از ۴۰۰ تا ۴۰۰ نفر ذکر شده که نام رسمی آنها «محافظان انقلابی» است اما آنها بیشتر به نام «زنان آموزن» شهرت یافته‌اند. گفته می‌شود که آنها را از هنگام شیرخواری برمی‌گزینند و هنگامی که آماده پیوستن به گروه محافظان قذافی می‌شدند سوگند یاد می‌کردند که جان خود را برای دفاع از رهبرشان فدا کنند. این محافظان را برای آموزش و تمرین

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



تغییر

بی تفاوتی

به علاوه رفتارهای هر جامعه‌ای را می‌توان در طیفی از بی تفاوتی تا همدلی قرار داد. مهم آن است که روند رفتار اجتماعی چه سمت و سویی دارد، بی تفاوتی یا همدلی؟ پاسخ این قلم، تسلط روح همدلی و برخورد

فعال در جامعه ایران است. واکنش نسبت به هر واقعه یا حادثه متناسب با موضوع و ریسک مداخله می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. مثلاً واکنش‌ها نسبت به مداخله در یک درگیری خیابانی، دعوت برای اهدای خون، کمک به فردی که به دنبال آدرسی می‌گردد و مشارکت در یک جنبش اجتماعی ممکن است کاملاً متفاوت باشد، اگرچه این فرض هم محتمل است که افراد بی‌تفاوت می‌توانند نسبت به همه این موارد تنها ناظری منفعل باشند. در هر حال واکنش افراد نسبت به رویدادهای اجتماعی تا حد زیادی تحت تاثیر نگرش یافته‌است، این شاخص نیازمند، جامعه و... است.

همدلی یا عدم همدلی ناظر نسبت به نیازمند سهم بسزایی در بی تفاوتی یا نوع‌دوستی او دارد، به عنوان مثال انتظار می‌رود در صورت وقوع یک فاجعه طبیعی در ایران و کشور دیگر، ایرانی‌ها نسبت به نیازمندان ایرانی واکنش فعال‌تری داشته باشند. اگر ناظر نسبت به جامعه احساس از خودبیگانگی داشته باشد به احتمال زیاد تمایل به بی تفاوتی خواهد داشت. احساس تنهایی و انزوا، بی‌معنایی و پوچی، بی‌هنجاری و بدبینی از نشانه‌های بیگانگی از جامعه است.

همچنین اگر شکاف بین فرهنگ جامعه – که عمیق باشد ناظر رفتار متفاوتی نشان می‌دهد. احساس بی‌قدرتی، عدم رضایت از وضع خود و دیگران، تفر و نارضایتی از برخی سیاست‌های سیاسی و فرهنگی همه نشانه‌های این شکاف هستند که مانع از همدلی در تمامی موارد می‌شوند. قضاوت درباره روح حاکم بر یک ملت کار دشواری است، خصوصاً ملتی درونگرا، پیچیده و چند بعدی مثل جامعه ایران. مهم آن است که برای قضاوت نهایی رفتارهای موردی و مقطعی را ملاک قرار ندهیم و به آنچه زیر پوست جامعه جریان دارد، توجه کنیم.

دعای روز بیست و ششم ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيْهِ مَسْكُوْرًا وَذَنْبِيْ فِيْهِ مَغْفُوْرًا وَعَمَلِيْ فِيْهِ مَقْبُوْلًا وَعِيْبِيْ فِيْهِ مَسْتُوْرًا يَا اَسْمَعَ السَّامِعِيْنَ

خدا یا قرار ده کوششم را در این ماه مورد سپاس و تقدیر و گناهم را در آن آمرزیده و عملم را در آن پذیرفته و عیبم را در آن پوشید ای شنواترین شنوایان

دیدبان

در حاشیه سخنان جدید معاون سینمایی

سرا انجام، نگاه فرهنگی

ناصر صفاریان



■ معاون سینمایی وزارت ارشاد، در میهمانی افطار برگزارشده توسط مسوولان مرکز گسترش سینمای مستند، حرفه‌ایی زده است که می‌تواند نشانه شفاف‌سازی باشد و تاکید بر نگاه فرهنگی در مساله‌ای که پیش از این سیاسی تلقی می‌شد. معاون سینمایی با انتقاد از پخش فیلم‌های مستند از شبکه‌های ماهواره‌ای، از رییس اداره نظارت معاونت سینمایی خواسته تا آیین‌نامه‌ای برای این مساله تنظیم کند.

این درخواست را می‌توان به دید منفی نگاه کرد و بسر آغاز دور تازمای از برخورد و محدودیت اندست و با آن به مخالفت برخاست. اما به عنوان مستندسازی که در این چند سال چند بار با این ماجرا روبه‌رو بوده، این درخواست را مثبت تلقی می‌کنم. دلایل هم این است که با وجود آیین‌نامه، همه چیز روشن و شفاف خواهد بود و گذشته از اینکه راه بر مدیریت سلیقه‌ای برخی آدم‌های مسوول بسته می‌شود، مستندسازان هم سرناتجام متوجه خواهند شد چه چیزی ممنوع است و مرز ممنوعیت کجاست.

تا اینجا، آنچه در این زمینه گفته شده و به آن استناد می‌شود، این‌جمله کلی و مبهم است: «همکاری با شبکه‌های ماهواره‌ی فارسی‌زبان ممنوع است.» خب، این جمله مبهم تفسیرپذیر است. مثلاً اینکه پخش فیلم، مصداق همکاری نیست.

چرا که مستندساز، فیلمش را به سفارش شبکه‌های ماهواره‌ای و برای آنها نساخته و بسیاری از آثار پخش شده از این شبکه‌ها، نه تنها مربوط به سال‌ها قبل است و جاهای مختلفی نمایش داشته، که از وزارت ارشاد مجوز گرفته و با موازین همین سال‌ها هم منافاتی ندارد.

در این چند سال، با برخی از مستندسازها که به شبکه‌های ماهواره‌ای فیلم داده‌اند برخورد ملایمی صورت گرفته، با برخی تندتر و با بعضی‌ها هم اصلاً کاری نداشته‌اند.

بسته به شرایط زمانی هم برخورد‌ها متفاوت بوده، گاهی وجود داشته و گاهی نه. حالا با این آیین‌نامه راه بر این سلیقه‌ها بسته می‌شود و می‌توان به چارچوبی قانونی استناد کرد، نه آن‌طور که مورد علاقه یک مدیر خاص باشد. به عنوان مثال، نام مرا سال گذشته از فهرست دعت‌شدگان مطبوعاتی به جشنواره فیلم فجر خط زدن و کارت مطبوعاتی به من ندادند. دلایش هم این بود که به دلیل همکاری (همان فیلم دادن) به شبکه‌های ماهواره‌ای، من باید توبیخ می‌شدم. ولی تنها دو روز بعد، کارت جشنواره به نشانی‌ام فرستاده شد. البته نه از سوی خط زنده محترم بلکه از سوی دفتر جشنواره. آن هم کارت مخصوص «همان ویژه». خب اگر برخورد سلیقه‌ای نبوده، پس چرا من در بخشی از یک وزارتخانه، مسالمدار تلقی می‌شوم و در بخشی دیگر نه؟! گذشته از نقطه مثبتی مثل اشاره به خلاف عدم نمایش مستندها در ایران که سوق‌دهنده فیلم‌ها به شبکه‌های ماهواره‌ای است، واقع‌بینی دیگری هم در سخنان معاون سینمایی هست؛ آنجا که می‌گوید: «پخش فیلم‌ها از چنین شبکه‌هایی مناسب نیست، مگر با الگوها و قالب‌هایی که به توافق برسیم.» به عنوان یک مستندساز، این آیین‌نامه- ندیده و ندانسته – را در چارچوب کلی‌اش مثبت می‌دانم و از اینکه ساز و کار یک مساله فرهنگی قرار است به جای نهادهایی که کار غیر فرهنگی می‌کنند فقط در وزارت ارشاد تعیین شود، خوشحالم.

